

نگاهی به ابعاد تهاجم به سفارت انگلیس

درايران

امیر فیض - حقوقدان

این تحریر در ابعاد زیر نگاه تحقیقی دارد:

نخست از نظر حقوق بین الملل

همانطور که استحضار دارید، در روابط بین کشورها دو اصل بیش از اصول دیگر حائز اهمیت و از حساسیت خاصی برخوردار است، یکی اصل مصونیت نمایندگان سیاسی کشورها در کشور میزبان و دیگری اصل عدم مداخله کشورها در امور کشورها.

علت حساسیت این دو اصل این است که مرز مشترک آنها دقیق و امکان اختلال و اختلاط در آنها بسیار ممکن است. عدم مداخله در امور کشورها که نشأت یافته از اصل حاکمیت ملت هاست، نسبت به قبول اصل مصونیت نمایندگان سیاسی کشورها در محدوده حاکمیت خود چندان راضی نیست ولی ناچار است که با آن یک همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد.

مابع اصلی مصونیت نمایندگان سیاسی کشورها

مصونیت نمایندگان سیاسی کشورها از اصول فطری جوامع بشری است که در اصطلاح حقوقی گفته میشود <حقوق عرفی>.

سیسرون حقوقدان بزرگ رومی گفته است:

مصونیت برای سفرای کشورها ریشه اش هم در عادت بشری و هم در قوانین الهی است اوحی عقیده داشته که در صورت منازعه بین کشورها نمایندگان کشورهای طرف منازعه باید مصون از تعرض باشند.

تاریخ شاهنشاهی ایران که قدیمی ترین تاریخ جهان بشمار میرود از رعایت اصل مصونیت نمایندگان سیاسی اعزام به دربار شاهنشاهی ایران نمونه ها و کتیبه های گویائی دارد.^۱

مفسرین و حقوقدانان اسلامی مدعی اند که اسلام قائل به مصونیت برای سفرای خارجی میباشد و به سیره محمد استناد میکنند. ناگفته گذاشته نشود که حق امتیازی که عملاً کشورهای اسلامی برای سفرای کشورها منظور میداشتند و همچنین سنت محمد، اقتباس از حقوق عرفی مصونیت نمایندگان سیاسی کشورهاست که قرن‌ها قبل از اسلام جاری و متبع بوده است و در کلامی دیگر اسلام، واضح آن حق نیست بلکه مقتبس از حقوق عرفی است که بقای آن مدیون سیستم شاهنشاهی ایران میباشد.

مصونیت نمایندگان دول در حقوق بین الملل

رویه بشری مصونیت نمایندگان سیاسی کشورها، و یا به عبارت مصطلح در حقوق بین الملل، حقوق عرفی مصونیت نمایندگان سیاسی کشورها، تا سال ۱۹۶۱ همچنان مورد عمل کشورها بود در آن سال عهد نامه ای برای مدون ساختن

^۱ - مغرضین و نا آگاهان و گول خورده های وابسته، این اصل بشری و اصل حقوق بین الملل را با وجود اینکه کابینتولاسیون جاری دوران قاجار در دوران شاهنشاهی رضا شاه بزرگ لغو شده بود و همواره لغو شده مانده بود، را با کابینتولاسیون مخلوط کرده و دوران شاهنشاهی را محکوم می کنند. ح-ک

حقوق عرفی مصونیت بین سی و چند کشور اروپایی دروین به امضا رسید که ایران شاهنشاهی هم یکی از همان کشورها بود و عهد نامه مزبور بوسیله آقای دکترمتمین دفتری به امضارسید.

هدف از عهد نامه مزبور درمقدمه عهدنامه چنین نوشته شده:

این عهدنامه براساس برابری کشورهاتنظیم شدکه هدف از آن برقراری صلح وامنیت وگسترش روابط دوستانه کشورهاست.

این عهد نامه درسال ۱۹۷۵ (قبل از شوررش ۵۷) درکنفرانسی که زیرنام <کنفرانس ملل متحد درموردنمایندگی دول و روابطشان باسازمان های بین المللی> تشکیل شد با ضمیمه ای همراه شد که ۸۱ کشور آنرا امضا کردند.

عهدنامه ۱۹۶۱ یانوانسیون مصونیت نمایندگان سیاسی

عهدنامه مزبورکه حدود چهل وچند ماده دارد مجموعادررابطه با مصونیت ومزایائی است که عهدنامه مزبوربه نمایندگان سیاسی کشورها تفویض کرده است و آنها عبارت است ازغیرقابل تعرض بودن محل نمایندگی - مصونیت وغیرقابل تعرض بودن اموال منقول وآنچه که درسفارتخانه هست - آزادی وبلامانع بودن ارتباطات سفارت خانه با کشورمتبوع ویانمایندگیها- مصونیت کیسه دیپلماتیک وهمچنین حامل آن - مصونیت سفارتخانه ها یک اصل مطلق است ونمیتواند مشروط باشد.^۲

شرط آخر که مصونیت مطلق سفارتخانه هاست از یادگار گروسیویوس است که جدا عقیده داشت که مصونیت محل نمایندگان سیاسی کشورها درحدی است که اگرمتهمی به آنجاپناه ببرد هیچ کس حق ورود به آن محل رانخواهد داشت (مانند امامزاده ها وسفارت انگلیس دردوران قاجار ونیزخانه علما).

این امتیاز آخری یعنی مطلق بودن حق مصونیت عملامسیردیگری رایافت که تبدیل به مصونیت مشروط گردید مبنای این تحول ماده ۴۱ عهدنامه وین است که میگوید: <ازمحل های ماموریت دیپلماتیک برای اعمالی که بنحوی مغایرباوظایف دیپلماتیک است استفاده نباید بشود> نظریه اینکه عهدنامه تفسیری بر<اعمال مغایرباوظایف دیپلماتیک> ندارد حقوقدانان کشورها بیشتربراین اساس اعتماد عمل دارند که هر موقع دولت میزبان دلایل کافی در دست داشته باشد که محل سفارت برای توطئه علیه امنیت کشورمیزبان ویادرجهت اقدام خلاف قانون بکارگرفته شده است ویواقعه ای درجریان وقوع است که برای زندگی مردم عادی درخطر است ورنیس نمایندگی سیاسی اجازه ورود به مامورین رانمیدهد حق دارند بدون اجازه وارد شوند استناد آنان به همان ماده ۴۱ عهدنامه وین است.

رویه مورد عمل دولت کانادا دراین مورد <چنانچه رفتار دیپلماتهای خارجی وضعیت امنیتی دولت کانادا رابه مخاطره اندازد مصونیت آنان دربرابر مصلحت ملی ساقط خواهد شد>

بنابراین اصل عدم مداخله درامورکشورها که عرض شد <حساسیت خاصی نسبت به مصونیت نمایندگان سیاسی کشورهاداردوآنرا مزاحم حق حاکمیت میداند> اعمال هراقدامی ازسوی نماینده سیاسی کشورها ویا سفارتخانه و یا کنسولگری آنها که مغایر اصل عدم مداخله کشورها درامورکشورها باشد آن عمل رامشمول ماده ۴۱ قرارداد وین میدانند که اهم آن عبارتست ازفعالیت های سیاسی علیه حکومت کشور میزبان - کمک وتشویق مخالفان حکومت - انتشارات تبلیغاتی پنهانی - آموزش نیروهای مخالف ومجهز ساختن آنها - برانگیختن بی نظمی درداخل کشور- ملاقات های محرمانه بامخالفان - دخالت پنهان وآشکار درانتخابات - مسافرت به محل های مختلف کشور بدون اطلاع مقامات کشوری - کمکهای مالی واقتصادی وبورسهای تحصیلی که درپناه آنها مقاصد خودرادمداخله درامورکشورمیزبان عملی میسازند - عدم استفاده از محل ماموریت بطریقی که مخالف باوظائف دیپلماتیکی باشد - عدم فعالیت های تجاری - جاسوسی - احترام به قوانین دولت میزبان ازباب مقررات بهداشتی، رانندگی وامثال آنها.

^۲ به زیر نویس شماره ۱ نگاه بکنید. ح-ک

از تئوری تا اجرا

اعمالی که رعایت آن برای نمایندگان سیاسی و سفارتخانه‌ها در کشور میزبان ملاحظه شد در دنیای امروز به اجرا و رعایت کامل کشیده نمی‌شود کشورهای فعال سیاسی بندرت ممکن است برای فعالیت‌های دیپلماتیکی خود به محدودیت‌های مقرر احترام بگذارند نمونه آن مقادیر زیادی کشف اسلحه در سفارت عراق در پاکستان که بمنظور کمک به مخالفین حکومت پاکستان برنامه ریزی شده بود و همچنین ارسال اسلحه و انبارکردن آن در سفارت روسیه در چین و از همه مهمتر دخالت آمریکا در تدارک شورش ۵۷ که مستند آن، اسناد سفارت آمریکا و اظهارات سفیر آمریکا و انگلستان است. تازه ترین نوع مداخله مستقیم، مشارکت سفیر آمریکا در سوریه در تظاهرات مخالفان حکومت سوریه است. دخالت و مشارکت سفارت جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی در ترور ایرانیان مخالف حکومت هم از موارد مشابه است.

کشورهایی که فعالیت سیاسی ندارند سفارتخانه‌های آنان پایگاه قاچاق مواد مخدره الماس و وسائل گران قیمت و عتیقه جات است که نمونه آن قاچاق حدود ۸۰۰ قطعه الماس در منزل سفیر کشور سنگال و نمونه دیگر کشف ۲۰۰۰ ساعت طلای گران قیمت سوئیسی در بسته متعلق به سفارت سوئیس در فرانسه است.

بدون تردید سفارتخانه‌های بیشتر کشورهای اروپایی و در راس آنها انگلستان در ایران در جمع آوری و غارت عتیقه جات و ارسال آن به کشورشان دخالت داشته اند (به موزه هایشان نگاه کنید).

نمی‌شود گفت که کشورهای مهماندار از فعالیت‌های غیرقانونی سفارتخانه‌ها و یا محتوی بسته‌های دیپلماتیک آنها آگاه نیستند ولی میتوان گفت که آنها به اعتبار حفظ روابط سیاسی، این تخلفات را چشم پوشی میکنند.

ضمانت اجرا

ضمانت اجرای تخلف نمایندگان سیاسی از محدوده خود تنها دوحق برای کشور میزبان قائل شده است اول که بیشتر مورد عمل است استفاده از رویه همگانی <عنصر نامطلوب> است که با اعلام آن نماینده سیاسی خلافکار باید کشور میزبان را ترک گوید حق دوم تجدید نظر در مراتب روابط سیاسی است.

بنابراین مطلقا بالا رفتن از دیوار سفارت و یا حمله و یا جستجوی سفارت و یا گروگان گیری و امثال آنها هیچگونه جایگاه دفاعی ندارد.

اکنون به بینیم که در صورتی که کشور میزبان بر قاعده حراست از مصونیت نمایندگان کشور محل اقامت و سفارت آنها کوتاهی کند و تهاجمی به نمایندگان کشور میهمان و یا سفارت آنها انجام گیرد کشور میهمان چه حقوقی دارد.

در این قبیل موارد کشور میهمان سه حق دارد، اول مراجعه به دادگاه بین المللی لاهه - دوم به شورای امنیت و سوم تقلیل در مراتب روابط سیاسی.

دوم - بعد حقوقی حمله به سفارت انگلیس در تهران

با عرض مراتب فوق اکنون میتوانیم با دید بهتری موضع حمله به سفارت انگلیس در تهران را مطرح کنیم.

حمله به سفارت انگلیس در تهران را میتوان از دو جهت یکی موضع حقوقی و دیگری موضع اجرایی نگاه کرد.

موضع حقوقی :

واکنش دولت انگلیس، طرح موضوع در شورای امنیت سازمان ملل بوده است سوال اینجاست که با آنکه ایران و انگلیس هر دو از امضاکنندگان قرارداد وین هستند چرا انگلستان دادگاه لاهه را انتخاب نکرده و به شورای امنیت متوسل شده است؟

دردادگاه لاهه شاکی که دولت انگلستان بود باید دخالت جمهوری اسلامی رادر حمله به سفارت خود ویا غفلت مشهود مامورین نظامی ایران را ثابت میکرد واین کار با جریاناتی که دیده میشود آسان نیست و دوم اینکه دادگاه لاهه تاحدودی به اصل بیطرفی اعتنایی دارد وحاضر نمیشد که بسرعت مورد علاقه انگلستان ایران را محکوم کند.

دولت انگلیس به این دلیل شورای امنیت رامرجع قرارداد که شورای امنیت رسیدگی قضائی نمیکند وباجلب نظر نمایندگان دول عضو شورا، قطعنامه ویاتوصیه میکند.

بروشنی میتوان گفت که قطعنامه ای که شورای امنیت به اعتبار درخواست دولت انگلستان صادر کرده عجیب ترین و در نوع خود بیسابقه ترین قطعنامه است.

درمتن درخواست دولت انگلستان آمده که دانشجویان بسیجی به سفارت حمله کرده اندومتعاقب آن وبسرعت در قطعنامه شورای امنیت <حمله به سفارت انگلستان> محکوم شده است **نه جمهوری اسلامی**.

ناگفته وبدون نیاز به قطعنامه شورای امنیت قضاوت عامه است که عمل حمله به سفارت کشورها محکوم وغیرقابل توجیه است دیگر نیازی به قطعنامه نبود شورای امنیت نسبت به عمل کشورها وارد تصمیم میشود نه فلسفه عمل آنها مواد ۴۱ و ۴۲ ناظر به عمل خلاف منشور است که کشوری مرتکب میشود نه خوبی ویابدی آن عمل، اینکه شوروی و چین هم به قطعنامه مزبور رای داده اند علتش همین بی معنابودن قطعنامه وعدم توجه آن به جمهوری اسلامی است.

بخوبی پیداست که هم شورای امنیت وهم دولت انگلستان نخواستند که جمهوری اسلامی مسبب این حمله شناخته شود. شکوائیه دولت انگلستان وخیرگزاریها، حمله به سفارت انگلیس را کار <دانشجویان بسیجی اعلام کرده اند، نه کار دولت جمهوری اسلامی یعنی عمل تهاجم متوجه عده ای دانشجو (!!!) شده که آن دانشجویان بسیجی بوده اند. بسیجی، فعل است ودرتطبیق مورد مثل آن است که گفته میشود <تهاجم به سفارت از سوی عده ای دانشجو که فوتبالیست هم بوده اند صورت گرفته> اگر گفته میشود که تهاجم از سوی عده ای بسیجی که دانشجویان بوده اند تا حدودی قابل طرح ووابستگی عمل تهاجم به جمهوری اسلام میشود زیرا بسیجیها وابسته به نیروهای امنیتی کشور شناخته شده اند حال آن بسیجی ها دانشجو بوده ویانبوده دروابستگی عمل تهاجم جمهوری اسلامی به سفارت انگلستان بی تاثیر است.

حاشیه ای درباره ماهیت عمل تهاجم به سفارت انگلیس

سوابق تاریخی درکشور خودمان در رابطه با تهاجم به سفارت انگلستان نشان میدهد که همواره سیاست های خارجی دربرنامه ریزی وایجاد هیجان برای حمله به سفارت خانه ها وسلب مصونیت نمایندگان خارجی مشارکت داشته است وهیچگاه مردم خودجوشانه از حمله به سفارتخانه ها استقبال نکرده اند.

نمونه تاریخی آن حمله به سفارت روسیه در قضیه یعقوب خان ودوخاتم ارمنی است که منجر به غارت سفارت وکشته شدن سفیر وکارمندان سفارت روسیه شد. داتسن در تاریخ مفصل این واقعه نوشته است که شخصی دربین مهاجمین فریاد کرد که اسبهای سفیر روسیه دراصطبل سفارت انگلیس است مهاجمین به آن اصطبل هجوم بردند داتسن نوشته است مهاجمین همه اسبها ولوازم آنها که دراصطبل بود بردند بغیر از اسب سفیر انگلستان را. داتسن در همان تاریخ عامل اصلی هجوم به سفارت روس را علما وآخوند ها دانسته است (تاریخ این ماجرا همطراز با جریان موقوفه اوود میباشد)

نمونه دوم حمله به خانه سدان رئیس شرکت نفت انگلیس وربودن اسناد سفارت بوسیله جبهه ملی که وابسته به آمریکا بود.

نمونه دیگر حمله به سفارت آمریکا در ایران که برنامه ریزی انگلیس برای بیرون کردن آمریکا از ایران آنهام باخت بود و تا حدوی هم تلافی حمله ایادی آمریکا به خانه سدان وانتشار برخی از اسناد سیاسی انگلیس.

نمونه دیگر تظاهرات وسیع باصطلاح دانشجویان ایرانی در دوسال ویاسه سال قبل مقابل سفارت انگلیس بود که آشکار شد باتدبیر حکومت وبمنظورهای خاصی تدارک گردید.

اکنون هم نمیتوان گفت که کسانی خود جوش وبدون اطلاع حکومت ایران به تهاجم وغارت سفارت وغیره مبادرت کرده اند ولی یک سوال مهم درمقابل، عرض وجود میکند وآن این است که، چگونه ممکن است ملاهای حاکم که حیات سیاسی وحتی حیات مذهب خودشان رامدیون حمایت انگلستان میدانند دست به این قمارسیاسی زده باشند، شاید هم بنابراین ضرب المثل خارجی که میگوید «سگ راجه کسی هارمیکند؟ صاحبش» ملاهای ایران که حقیقتا هار شده اند یک عوعویی هم به صاحب همیشگی خودشان کرده اند.

اظهارنظرنسبت به موضوع حمله به سفارت بدون وجود قرائن وشواهد منطقی نیست بنابراین اظهارنظری که ارائه میشود برمبنای دوشاهد وخبراست.

نخست اینکه

خبری تحت عنوان گزارشی ازدرون رژیم دررابطه بامسنله سفارت انگلستان منتشرشده که گزارش دهنده خودرا «زهره» معرفی کرده است فشرده گزارش مزبور میگوید:

«طرح تهاجم به سفارت انگلیس باموافقت خامنه ای درشورای عالی امنیت ملی بریاست احمدی نژاد وزیر خارجه و وزیرکشور تصویب شد، ونقل قول از احمدی نژاد شده که، قرارطرح براین بودکه جلوی سفارت تجمع بشود به درسفارت قفل زده شود، علیه انگلیس شعارداده شود وکوکتل مولوتف به داخل سفارت پرتاب کنند ودرطرح نبود که داخل سفارت شده وسفیروکارمندان را کتک بزنند وهرچه دستشان آمده خراب ونابود کنند، سپاه پاسداران زیرنظر دفترخامنه ای دست به این کارها زده وتا آنجا پیشرفته اند که درباغ قلعهک جواهرات وزینت الات زنان راز گردنشان کنده اند وبعنوان غنیمت تاراج غارت کرده اند.....» پایان

خبرمزبوردرکنارگزارش خبرنگاران حاضر درصحنه ونیزشهادت عده ای ازباصطلاح دانشجویان شرکت کننده درعملیات تهاجم به سفارت وباغ قلعهک سفارت میتواند نظریه ای تاحدودی قابل قبول تا امروز ارائه بدهد چراکه آینده ومسائل مکشوف ممکن است نظریه حاضررا تحت الشعاع قرار دهد.

مهمترین موضوع که کلید این نظریه محسوب میشود وبلاگ «مجمع دانشجویان حزب الله دانشگاه علم وصنعت ایران» که باعنوان ما بازی خورده بودیم شرحی از واقعه تهاجم به ساختمان اصلی سفارت رابه قلم یکی از همراهان مهاجمان به آنجا آورده وچنین میگوید:

«متأسفانه تشکل های دانشجویی ماهیت دانشجویی خودرا تاحدود زیادی از دست داده است»

«وشاهد این هستیم که دراتحادیه های موجود، تحلیل وتفکرجوشیده ازبدنه دانشجویی چنان در سطح پائینی است که تقریباً جانی درتصمیم گیریها ندارد ودرعوض منافع جناحهاوگروهها وبعضاً امیال شخصی افرادی خارجی از مجموعه دانشجویی جای آنراپرکرده است دراینصورت دانشجوی آلت دستی برای منافع واهداف درست ویانادرست عده ای درسازمان واحزاب وجبهه ها خواهد شد»

دستاورد واستفاده از تجزیه وتحلیل بالا توسط مجمع دانشجویان این است که مهاجمین به سفارت آلت دست جناحهای حکومت بوده اند.

درهمان وبلاک، یکی از دانشجویان حاضر درتهاجم گفته است «مابراحتی وبدون هیچ ممانعتی ازمقابل ۴۰ سربازی که برای حراست از سفارت گمارده شده بود از درسفارت بالا رفتیم ووارد سفارت شدیم ودرپشت درسفارت که حدود ۴۰ سرباز هم برای محافظت بود هیچ مانعی نشدند واین سربازان همچون مجسمه سرجایشان ایستاده وبمانگاه میکردند» او مینویسد «پس از ورود به محوطه سفارت گروهی از دانشجویان درگوشه ای دیده میشدند که شخصی ازروی سکوبرایشان سخنرانی میکرد این شخص به دانشجویان گفته است که «دستوراز بالاآمده وامر، امرولائی است که مهاجمان باید سفارت راترک گویند» نویسنده اضافه کرده است ولی عده ای که به سفارت وارد شده بودند بجای ترک سفارت به گشت زنی درساختمان سفارت پرداختند.....»

نویسنده این گزارش اضافه کرده است که هنگام خروج از سفارت بابرخورد پلیس و باتوم مواجه شده است.

مجمع دانشجویان حزب الله در بیانیه دیگری که منتشر کرده است مینویسد:

«قرانن نشان میدهد که برنامه حضور عده ای در داخل سفارت و پانین کشیدن پرچم و بطور کلی نشان دادن ضرب شصت به دولت انگلیس، هماهنگ و مورد تائید بوده است اما جمعیت، خارج از کنترل و سروته قضیه از دست نیروی انتظامی خارج میشود.....» منبع گزارش مزبور تفسیری بی سی است بتاريخ شنبه سوم دسامبر ۲۰۱۱.

نظریه از برداشت گزارش خبری ووبلاک مجمع دانشجویی

نظریه اعلام صریح مجمع دانشجویان حزب اللهی که قبلا در این تحریریه آن اشارت رفت دانشجویان آلت مقاصد جناحی و حزبی و گروهی در جمهوری اسلامی قرار دارند و نظریه اینکه عدم مقاومت اولیه پلیس و سپس مقاومت پلیس و دستور خامنه ای در تخلیه سفارت در شهادت شهود قضیه آمده است، میتوان چنین برداشتی را ارائه داد که:

برنامه قدرت نمائی نسبت به سفارت انگلیس تدوین شده حکومت و شخص خامنه ای بوده

زیرا این برنامه اولاً میتواندست در وابستگی ملاها به انگلیسیها که باور ایرانیان است شبیه ای ایجاد کند و دوم اینکه به آمریکا نیها و اروپائیان نشان داده شود که حکومت ایران تنها با آمریکا سرچنگ ندارد بلکه با انگلیسیها هم همان دشمنی ها را دارد چراکه مفسرین اروپائی میدانند که پشتیبان واقعی سیاسی ایران انگلستان است.

اما حضور جناح آمریکائی در حکومت و بیشتر دولت سبب شد که جناح آمریکائی بر اجرای طرح مسلط شده و آنرا به سونی که خود میخواست بکشاند، و شاید بتوان گفت که موضوع تهاجم به سفارت انگلیس یک درگیری سیاسی جناحی بوده که اثرات آن متوجه روابط بین المللی ایران و کشورها شده است.